

پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی

سال چهارم، شماره پیاپی ۱۱، شماره سوم، زمستان ۱۳۹۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۳/۲

صص ۸۵-۱۰۲

بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر جرم (فراتحلیلی از تحقیقات انجام شده در ایران)

محسن نوغانی دخت بهمنی، دانشیار، گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، ایران

سیداحمد میرمحمدتبار، دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، ایران*

چکیده

وقوع جرم، به عنوان یک پدیده نامطلوب اجتماعی، علل روانی، اقتصادی و اجتماعی متعددی دارد. با توجه به اینکه از طرفی عامل اقتصادی، عامل مهمی برای تمام ساختارهای اجتماعی بوده و تأثیرات قابل توجهی بر روی وقوع جرم دارد، از طرف دیگر، تحقیقات متعددی در زمینه عوامل اقتصادی مؤثر بر جرم در ایران صورت گرفته؛ ولی جمع‌بندی فراگیری از این تحقیقات وجود ندارد، تحقیق حاضر به دنبال شناسایی مهم‌ترین عوامل اقتصادی مؤثر بر جرم در تحقیقات انجام شده در ایران است. روش تحقیق مقاله حاضر، فراتحلیل است. جامعه آماری تحقیق، اکثر مقالات معتبر علمی هستند که در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۲ با موضوع عوامل اقتصادی جرم منتشر شدند. نتایج اندازه اثرات نشان داد که بیشترین عوامل مؤثر بر متغیر سرقت، به ترتیب متغیرهای نابرابری درآمدی، نرخ بیکاری و نرخ تورم هستند. همچنین، تأثیرگذارترین عوامل بر متغیر جرم کل، به ترتیب متغیرهای نابرابری درآمدی، نرخ بیکاری و نرخ فقر بودند. بیشترین عوامل تأثیرگذار بر متغیر قتل، به ترتیب متغیرهای نرخ بیکاری، نرخ صنعتی شدن و نرخ فقر هستند. **کلیدواژه‌ها:** عوامل اقتصادی، جرم، سرقت، قتل، فراتحلیل.

مقدمه

زندگی اجتماعی تحت تأثیر و حاکمیت قواعد یا هنجارهای اجتماعی است. هنجارها به صورت ساده، راهنمای رفتارهای مناسب و نامناسب افراد جامعه در موقعیت‌های معین تعریف می‌شوند. هنجارها به عرف، آداب و رسوم و قانون طبقه‌بندی می‌شوند. جرم به آن دسته از اعمال اشاره دارد که از لحاظ هنجارهای حقوقی یا اجتماعی مربوطه به منزله اعمال انحرافی یا ضد اجتماعی تعیین و ارزیابی می‌گردد و مجازات به دنبال دارد (کلینارد و میر، ۲۰۰۸: ۲). جرم یک موضوع ترسناک و جدی برای عموم مردم در سراسر دنیاست. امروزه، موارد مجرمانه زیادی مثل: سرقت، تجاوز و جرائم جنسی، دزدی شبانه از منزل، قتل، آدم‌ربایی و ... از رسانه‌ها گزارش می‌شوند. این موارد می‌توانند هر کجا دیده شوند و تعداد آن‌ها براساس مناطق مختلف، متفاوت است. میزان بالای جرم، احساس ناامنی در مردم ایجاد می‌کند، بنابراین، جرم یک مشکل بزرگ در جامعه است.

جرم همراه با شکستن قانون، بی‌نظمی و از بین رفتن امنیت و آسایش مردم است که از این نظر، وقوع آن آثار منفی برای جامعه در پی دارد. برای مثال، انجام فعالیت‌های مجرمانه در هر منطقه، کیفیت زندگی در آن منطقه را کاهش و ریسک را در انجام فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی افزایش می‌دهد که به این ترتیب، سطح رفاه کاهش و هزینه‌های زندگی افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، وقوع جرم در هر منطقه دولت را مجبور می‌سازد برای مقابله با آن و برقراری نظم و امنیت و تأمین حقوق شهروندان، به توسعه کمی و کیفی نهادهای مبارزه با جرم بپردازد و هزینه‌هایی را در جهت تعقیب، دستگیری و نگهداری مجرمان متحمل شود که انجام آن موجب کاهش منابع عمومی در دیگر امور اجتماعی و اقتصادی، مانند: زیرساخت‌های اقتصادی، آموزشی و بهداشتی می‌شود. در واقع، با افزایش هزینه‌های مبارزه با جرم در جامعه، نحوه تخصیص منابع و امکانات اقتصادی تحت تأثیر قرار می‌گیرد؛ به گونه‌ای که با رشد این هزینه‌ها، منابع کمتری

برای سرمایه‌گذاری بر منابع انسانی و فیزیکی در اختیار دولت قرار می‌گیرد و این وضعیت در نهایت موجب کاهش سطح تولید و سرمایه‌گذاری در جامعه می‌شود (مداح، ۱۳۹۰: ۳۰۴).

آمارهای جرم در ایران حکایت از نوسانی بودن میزان جرم دارد؛ به طوری که در برخی از موارد میزان جرم در طول دوره‌های مختلف روند افزایشی دارد و در مواردی میزان جرم در طول دوره‌ای روند افزایشی و در طول دوره‌ای دیگر روند کاهش را داراست؛ برای مثال، آمارهای مستخرج از پرونده‌های تشکیل شده در حوزه انواع جرم در سال‌های مختلف در ایران (مطابق با داده‌های جدول ۱) نشان می‌دهد: نرخ^۲ انواع سرقت‌های عادی شامل سرقت از منزل، مغازه، اماکن دولتی، وسایل نقلیه و احشام در سال ۱۳۷۵، ۱۶۸/۱ مورد بوده که این تعداد در یک روند افزایشی در طی ۱۵ سال، در سال ۱۳۹۰ به ۵۷۳/۷ مورد رسیده است. همچنین، افزایش نرخ دستگیرشدگان مرتبط با عوامل توزیع کننده مواد مخدر، مثل: قاچاقچی، توزیع کننده، حمل کننده و نگهدارنده مواد مخدر به طور نسبی در سال‌های اخیر نیز تأیید می‌شود؛ به طوری که شاخص تعداد کل دستگیرشدگان به جمعیت کشور در سال ۹۰ نسبت به سال ۷۵، در یک سیر صعودی از ۹۵/۴ مورد سرقت در هر صد هزار نفر جمعیت در سال ۷۵، به ۳۳۵/۵ مورد در سال ۹۰ رسیده است. محاسبه نرخ جرم برای جرائم ضرب و جرح و قتل (شامل قتل عمد و غیرعمد) نشان‌دهنده افزایش نرخ این جرائم از سال ۷۵ به ۸۰ است؛ ولی این روند از سال ۸۰ به ۸۵ روند کاهشی داشته است. همچنین، نرخ جرائم ضرب و جرح و قتل از سال ۸۵ به ۹۰ روند افزایشی داشته است. به‌طور کلی، نتایج جدول ۱ و آمارهای مربوط به جرائم در ایران نشان‌دهنده نوسان نرخ جرم است. تحقیقات مختلفی برای پاسخ به این علت جرم در ایران انجام شده است که در ادامه به نتایج برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

^۲ نرخ هر جرم عبارت است از تعداد سالیانه آن جرم تقسیم بر تعداد جمعیت آن

سال ضرب در ۱۰۰۰۰۰

^۱ Clinard and Meier

جدول ۱- روند نرخ برخی از جرائم طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰

سال	جرائم	جمعیت (میلیون نفر)	نرخ انواع سرقت	نرخ قتل	نرخ ضرب و جرح	نرخ دستگیرشدگان مرتبط با مواد مخدر
۱۳۷۵	۱۳۷۵	۶۰/۶	۱۶۸/۱	۳/۴۹	۹۹/۸	۹۵/۴
۱۳۸۰	۱۳۸۰	۶۴/۹	۲۵۰/۷	۴/۵۷	۱۲۳/۳	۱۷۴/۶
۱۳۸۵	۱۳۸۵	۷۰/۴	۳۵۴/۵	۰/۷۶	۵/۳۶	۱۸۹
۱۳۹۰	۱۳۹۰	۷۵/۱	۵۷۳/۷	۳/۴۵	۹۲/۱	۳۳۵/۵

منبع: مرکز آمار ایران طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰

اجتماعی، یک کنش متقابل بین افراد و جامعه است. فعالیت‌های مجرمانه به عنوان نتیجه کنش متقابل افراد و فرایندهای جامعه‌پذیری اتفاق می‌افتد. براساس نظریات رویکرد انتقادی، علت جرم به نابرابری‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی برمی‌گردد. این نابرابری‌ها در جامعه به تضاد منافع افراد برخوردار از امکانات و افراد غیربرخوردار منجر می‌شود که این تضاد بیشتر افراد را مستعد انجام رفتارهای مجرمانه می‌کند.

با توجه به رویکردهای تبیین‌کننده که توسط سیگل (۲۰۱۰) ارائه شده است، حوزه اقتصادی از اهمیت ویژه‌ای برای تبیین جرم برخوردار است؛ به این علت که در سه رویکرد از پنج رویکرد اصلی تبیین‌کننده جرم، نقش عوامل اقتصادی (اعم از خرد و کلان) مهم است. محاسبه هزینه-فایده برای ارتکاب رفتارهای مجرمانه در افراد در قالب نظریه‌های انتخاب عاقلانه، نشان‌دهنده استفاده از مباحث اقتصاد خرد در جرم‌شناسی است. تأثیر عوامل ساختاری اقتصاد، مانند: فقر، بیکاری، تورم و طبقه بر جرم، جزو مباحث اقتصاد کلان قرار دارد. همچنین، عوامل اقتصادی مثل نابرابری اقتصادی و طبقاتی جزو مباحث اقتصادی کلان است، که در قالب نظریات انتقادی قرار می‌گیرد. بنابراین، حوزه اقتصاد و عوامل مطرح شده در این حوزه، می‌تواند تبیین چند سطحی (خرد و کلان) از عوامل مؤثر بر جرم ارائه دهد. تبیین چند سطحی یکی از مزیت‌های حوزه اقتصادی است که حوزه‌های دیگر از آن محروم هستند. سطح تبیین نظریات زیست‌شناسی اجتماعی و روان‌شناسانه در حد سطح خرد است و از آن

تقسیم‌بندی‌های مختلفی از رویکردهای تبیین‌کننده جرم در ادبیات نظری جرم صورت گرفته است. یکی از این تقسیم‌بندی‌های جامع و مهم توسط سیگل^۱ (۲۰۱۰) ارائه شد. سیگل در این کتاب، پنج رویکرد را در تبیین جرائم مهم می‌داند که عبارتند از: رویکرد انتخاب عاقلانه^۲، رویکرد صفات^۳، رویکرد ساختارهای اجتماعی^۴، رویکرد فرایندهای اجتماعی^۵ و رویکرد انتقادی^۶ (تضاد). در رویکرد انتخاب عاقلانه بیشتر بر این تأکید می‌شود که مجرم در ارتکاب جرم برآورد هزینه فایده می‌کند و پس از آن بهترین تصمیم را برای ارتکاب جرم در بهترین زمان می‌گیرد. رویکرد صفات به دو دسته نظریات زیست‌شناسی-اجتماعی و نظریات روان‌شناختی تقسیم می‌شود. تعیین‌کننده اصلی جرم در نظریات زیست‌شناسی اجتماعی، صفات زیستی مبتنی بر وراثت در افراد است. شخصیت غیرعادی و صفات روان‌شناختی کلید اصلی در تعیین رفتارهای ضداجتماعی است. براساس نظریات روان‌شناختی، بین بیماری‌های ذهنی، اختلالات شخصیتی و جرم رابطه وجود دارد. در رویکرد ساختارهای اجتماعی، الزام‌های اقتصادی و اجتماعی، تعیین‌کننده‌های اصلی الگوهای رفتارهای مجرمانه هستند. جرم در این رویکرد، نتیجه موقعیت‌های افراد در ساختارهای اجتماعی است. رفتارهای مجرمانه در رویکرد فرایندهای

^۱ Siegel^۲ rational choice perspective^۳ Trait perspective^۴ Social Structure perspective^۵ Social Process perspective^۶ Critical perspective

آن‌ها در افراد هستند. در صورتی که نهادها و سازمان‌های کارگزار جامعه پذیری، نظیر: خانواده، مدرسه، بازار و وسایل ارتباط جمعی کارآیی لازم را نداشته باشند، جامعه دچار بی‌سازمانی اجتماعی شده و پیامد آن، شیوع رفتار انحرافی در جامعه است. پارسونز، آنومی را نیز حاصل گسیختگی کامل نظم هنجاری می‌داند (احمدی، ۱۳۸۴: ۵۴). با توجه به ارتباط تنگاتنگ بین خرده نظام‌های نظریه پارسونز و مطابق شکل ۱، می‌توان استنباط کرد که خرده نظام اقتصاد هم به طور مستقیم و هم به طور غیرمستقیم با خرده نظام اجتماع و عنصر اساسی آن؛ یعنی انسجام رابطه دارد. بنابراین، می‌توان بیان کرد که اختلال در خرده نظام اقتصاد (مثل تورم، نابرابری درآمدی، بیکاری و ...) می‌تواند به اختلال در خرده نظام اجتماع (بی‌نظمی، کجروی و جرم) منجر گردد.

در طی دو دهه گذشته، به علل متعددی میزان جرائم مختلف به طور فزاینده‌ای در کشور افزایش یافت و مشکل جرائم به عنوان یک مشکل اجتماعی در جامعه مطرح شد. این خود به تزايد میزان تحقیقات علمی در حوزه‌های مطالعاتی مرتبط با موضوع جرم در چند دهه گذشته در کشور منجر شد؛ به طوری که جامعه علمی با اطلاعات وسیع و انباشته‌ای در باب ابعاد سبب شناختی مواجه شده است. تحقیقات انجام شده درباره عوامل اقتصادی مؤثر بر جرم در ایران، گروهی از عوامل اقتصادی را مؤثر بر میزان جرم می‌داند؛ برای مثال، این تحقیقات متغیرهایی، مثل: بیکاری، نابرابری درآمدی، فقر، تورم، تراکم جمعیت، صنعتی شدن، شهرنشینی و ... را مؤثر بر میزان جرم در کشور گزارش کرده‌اند (حسینی‌نژاد، ۱۳۸۴؛ صادقی، ۱۳۸۴؛ مداح، ۱۳۹۰؛ گرشاسبی، ۱۳۹۰؛ مهرگان و فخر، ۱۳۹۱؛ عباسی‌نژاد، ۱۳۹۱؛ فطرس و همکاران، ۱۳۹۱). در حوزه اقتصاد جرم به علت تعدد تحقیقات موجود و تکرر عوامل اقتصادی مؤثر بر جرم، یک آشفتگی و ابهام درباره عامل یا عوامل اقتصادی مهم مؤثر بر جرم در کشور وجود دارد. لذا این سؤال در حوزه عوامل اقتصادی جرم مطرح می‌شود که در یک جمع‌بندی جامع، کدام یک از عوامل اقتصادی بیشترین تأثیر را بر میزان جرم در

فراتر نمی‌رود. سطح تبیین نظریات حاضر در رویکرد فرایندهای اجتماعی (نظریه کنترل اجتماعی هیرشی، نظریه برچسب، نظریه پیوند اجتماعی ساترلند و ...) بیشتر در حد متوسط هستند. نظریات رویکرد ساختارهای اجتماعی (مثل نظریات بی‌سازمانی اجتماعی، خرده فرهنگ کجرو، نظریه بی‌هنجاری، نظریه فشار) و نظریات رویکرد انتقادی (نظریه صنعتی شدن، واقع‌گرایی چپ، فمینیست انتقادی) بیشتر در حد کلان هستند. می‌توان نتیجه گرفت که یک رویکرد نمی‌تواند تبیین کاملی از جرم ارائه دهد و باید دنبال حوزه‌ای از علم گشت که با تبیین چندسطحی و تبیین چندرویکردی جرم را بررسی کند. حوزه اقتصاد و نظریات موجود در آن می‌تواند هم تبیین چندسطحی (سطوح خرد و کلان) و هم تبیین چندرویکردی (رویکرد انتخاب عاقلانه، رویکرد ساختارهای اجتماعی و رویکرد انتقادی) از جرم ارائه کند.

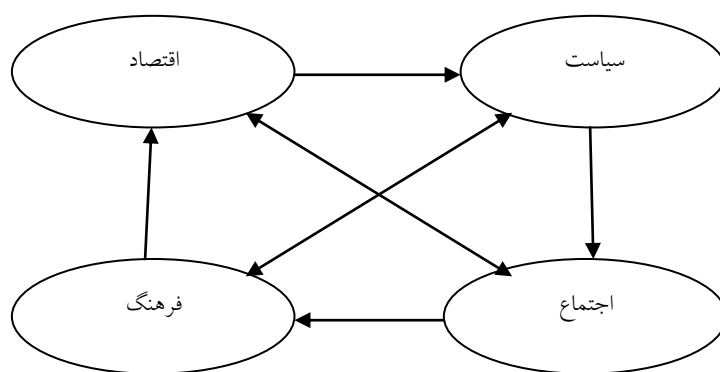
رابطه اقتصاد و جرم در نظریه پارسونز^۱ (۱۹۵۱) هم قابل بررسی است. مسأله اساسی نظریه تحلیل کنش پارسونز، مسأله نظم اجتماعی است. پارسونز چهار شکل کارکردی عام را برای هر نظام اجتماعی در هر سطحی مطرح می‌نماید: انطباق با محیط، دستیابی به هدف، انسجام و حفظ انگاره‌های فرهنگی. پارسونز مشکل اساسی نظم اجتماعی را عمدتاً در بعد انسجامی می‌بیند (توبی^۲، ۲۰۰۵). بحث اصلی پارسونز در تبیین انحرافات اجتماعی بر مبنای پیش فرضی که در مورد خرده نظام‌های چهارگانه: فرهنگ، اجتماع، سیاست و اقتصاد مطرح کرده، شکل گرفته است. کارکردهای مناسب هر یک از این خرده نظام‌ها و ارتباط و کنش متقابل بین آن‌ها، عامل کنترل کننده جامعه و همچنین، عامل بقا و پایداری نظام اجتماعی است. در مقابل، عدم تعادل و بی‌سازمانی در هر یک از خرده نظام‌ها، حیات جامعه را تهدید کرده، زمینه را برای رفتار انحرافی فراهم می‌سازد. از نگاه جامعه‌شناسی پارسونزی، نهادها و سازمان‌های اجتماعی، عوامل اجرایی و ابزارهای جامعه‌پذیری، الگوهای رفتاری و درونی ساختن

^۱ Parsons

^۲ Toby

کدامند. همچنین، این تحقیق به شناسایی انواع متغیرهای اقتصادی مؤثر بر جرم، انواع روش‌های تحقیق به‌کار رفته و انواع نظریات تبیین‌کننده در این حوزه می‌پردازد.

جامعه ایران دارند؟ تحقیق حاضر با بهره‌گیری از روش فراتحلیل در خصوص تحقیقات انجام شده در حوزه جرم پرداخته و می‌کوشد به این سؤال پاسخ دهد که تأثیرگذارترین متغیرهای اقتصادی مؤثر بر جرم در تحقیقات انجام شده



شکل ۱- خرده نظام‌های نظریه پارسونز (۱۹۵۱)

کمترین هزینه (ضرر) برایشان مهیا شود (اید، ۲۰۰۰).

نظریه انتخاب عاقلانه بین مدل‌های ایستا و پویا برای تبیین جرم تفاوت قائل می‌شود. در یک مدل ایستا، افراد هزینه و فایده ارتکاب جرائم را در یک دوره زمانی با هم مقایسه می‌کنند. در یک مدل پویا، افراد چند دوره را در نظر می‌گیرند. بنابراین، مدل پویا تأثیر عنصر زمان را، برخلاف مدل ایستا، در نظر دارد.

۱-۱- مدل ایستای جرم: بکر^۲ (۱۹۶۸) بیان می‌کند که یک نظریه سودمند رفتارهای مجرمانه می‌تواند رویکردهای مختلف بی‌هنجاری، مشکلات روانی، وراثت و تحلیل‌های انتخاب عاقلانه را در تبیین جرم به‌کار برد. بکر یک مدل ایستا را که در آن افراد در یک بازه زمانی تصمیم به ارتکاب رفتارهای مجرمانه می‌گیرند، بسط داد. او مدعی است که تحلیل‌های هزینه-فایده به افراد اطلاعاتی برای انتخاب ارتکاب یک عمل مجرمانه می‌دهد (بکر، ۱۹۶۸). وی همچنین بیان می‌کند که چون افراد اطلاعات کامل ندارند، به دنبال بیشترین فایده قابل انتظار هستند. افراد سود نشأت گرفته از

پیشینه نظری

عوامل اقتصادی مؤثر بر جرم دارای مبنای نظری است. نظریات تبیین‌کننده عوامل اقتصادی مؤثر بر جرم به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند. دو نظریه اصلی شامل: ۱- نظریه عقلانی جرم و ۲- نظریه رادیکال اقتصاد سیاسی جرم هستند. هر نظریه بر عوامل متفاوتی اشاره می‌کند که بر جرم تأثیرگذارند.

۱- نظریه عقلانی جرم: اقتصاد را می‌توان به عنوان علمی تعریف کرد که چگونگی تخصیص منابع کمیاب را به وسیله نیروی‌های عرضه و تقاضا برای پاسخگویی به نیازهای مختلف جامعه، بررسی می‌کند. به همین صورت، اقتصاددانان مدعی هستند که جرم نتیجه انتخاب فردی بین استفاده از منابع کمیاب زمان و تلاش در فعالیتهای مشروع و نامشروع است. یک فرض اصلی این است که وقت تصمیم‌گیری، افراد عقلانی هستند و بهترین گزینه را با توجه به اطلاعات و منابعشان انتخاب می‌کنند. افراد می‌دانند که باید منافعی را از طریق انتخاب گزینه‌های عقلانی ارتقا دهند تا بیشترین فایده و

¹ Eide

² Becker

احتمال دستگیری باعث به خطر افتادن گرفتن شغل افراد در آینده می‌شود، ارتکاب جرم کمتر می‌شود.

۲- نظریه رادیکال اقتصاد سیاسی جرم: مدل‌های اقتصادی دیگر تبیین‌کننده جرم بر روی تصمیمات فردی براساس عامل زمان بین فعالیت‌های قانونی و غیرقانونی تمرکز می‌کنند. مدل رادیکال اقتصاد سیاسی بر روی عوامل اصلی سیاسی و اقتصادی- اجتماعی که منجر به جرم می‌گردند، متمرکز است. عوامل اصلی در این نظریه، شامل: محرومیت نسبی، فقر و نابرابری، بیکاری و طبقه می‌شود. همه این عوامل به هم وابسته‌اند.

۱-۲- محرومیت نسبی: عامل محرومیت نسبی به تفاوت‌های گوناگون درآمدی در بین طبقات مختلف جامعه توجه دارد. براساس این دیدگاه، افراد خودشان را متعلق به گروهی می‌دانند که در آن زندگی می‌کنند. درجه محرومیت به صورت تفاوت درک شده میان انتظارات ارزشی (خواسته‌ها) و توانایی‌های ارزشی (داشته‌های) افراد است. در اقتصاد نئوکلاسیک، افراد شانس‌های شغل و درآمد خود را براساس سطوح آموزش و وضعیت بازار کار آزاد تعیین می‌کردند. در مدل محرومیت نسبی، افراد سرنوشت خود را مشابه همالان خود درک می‌کنند (نیکرسون، ۱۹۸۳). دانزیگر و ویلر^۴ (۱۹۷۵) و دانزیگر (۱۹۷۶) مطالعاتی درباره رابطه بین رهیافت محرومیت نسبی و فعالیت‌های مجرمانه (دزدی شبانه و سرقت) انجام دادند. یافته‌های این تحقیقات حکایت از رابطه مثبت بین نابرابری درآمد و رفتارهای مجرمانه دارد.

۲-۲- فقر و نابرابری: تفاوت در میزان فقر و رفاه به عنوان عوامل تأثیرگذار در تنوع میزان جرم است. طرفداران برنامه‌های بزرگ اجتماعی دولت فدرال در دهه ۱۹۶۰ معتقدند که بهبود فقر به وسیله ارتقای شرایط زندگی افراد و به موجب آن، کاهش مشارکت در فعالیت‌های مجرمانه در نهایت به کاهش میزان جرم منجر می‌شود (جاکوب، ۲۰۱۱). برای بررسی ارتباط بین نابرابری و جرم، تفاوت‌های درآمدی افراد

فعالیت‌های مجرمانه را با سود منبعث از فعالیت‌های قانونی مقایسه می‌کنند. فرض دیگر مدل بکر، ترجیحات پایدار است. بر اساس این فرض، احتمال و شدت تنبیه بر میزان جرم تأثیر می‌گذارد. بکر مدعی است که احتمال و شدت تنبیه از طریق عمل به عنوان بازدارنده جرم به کاهش اعمال مجرمانه منجر می‌شود (جاکوب، ۲۰۱۱).

۱-۲- مدل پویای جرم: این نوع از مدل‌ها، جرم را در طول زمان بررسی می‌کند. مدل پویا، تجربیات گذشته را با رفتارهای معطوف به آینده ترکیب می‌کند. رفتارهای گذشته و چگونگی دستگیری‌های قبلی بر تصمیمات زمان حال تأثیرگذار هستند. این مدل، همچنین بررسی می‌کند که چگونه تصمیمات حاضر متأثر از نتایج آینده مرتبط با شغل و فواید قابل انتظار است. با استفاده از این مدل، شواهدی وجود دارد که عوامل مهم پیش‌بینی رفتارهای مجرمانه را مشخص می‌کند؛ برای مثال، دادگاه نوجوانان برای جرائمی که افراد زیر ۱۸ سال مرتکب شدند، مجازات کمتر و ملایم‌تری؛ به نسبت افراد بزرگسال تعیین می‌کند. به این ترتیب، پیش‌بینی می‌شود که افراد زیر ۱۸ سال؛ به خاطر ملایمت در مجازات؛ جرائم بیشتری مرتکب شوند (ایمای و کریشنا، ۲۰۰۴).

ویلیامز و سیکلس^۳ (۲۰۰۰) بیان می‌کنند که سرمایه اجتماعی از طریق اثر بر روی هنجارهای اجتماعی بر تصمیمات فردی در ارتکاب جرم تأثیر می‌گذارد. آن‌ها مدعی هستند که مشارکت در اعمال مجرمانه، ارزش سرمایه فردی را در سرمایه اجتماعی، ازدواج، شهرت و شغل کاهش می‌دهد. به عبارت دیگر، افراد با خانواده و شغل خوب اگر به خاطر ارتکاب جرم دستگیر شوند، در مقایسه با افرادی که این منابع را ندارند؛ بیشتر ضرر می‌کنند. به طور کلی، می‌توان نتیجه گرفت که مجرمان وقتی که نتایج اقدامات حاضرشان را در آینده ترسیم می‌نمایند، به صورت عقلانی رفتار می‌کنند. در همین راستا، ایمای و کریشنا (۲۰۰۴) شواهدی یافتند که وقتی

^۱ Jacob

^۲ Imai and Krishna

^۳ Williams and Sickles

^۴ Nickerson

^۵ Danziger & and Wheeler

مطالعه طولی در فیلادلفیا^۴ استفاده کردند و یافتند که بیکاری اثرهای معناداری بر مشغولیت در اعمال مجرمانه دارد. آن‌ها پی بردند که میزان جرم؛ بخصوص جرائم مالی؛ در دوره بیکاری بالا، زیاد است. نتایج مطالعات دیگر (لویت^۵، ۱۹۹۶، ویت^۶ و همکاران، ۱۹۹۹) هم از رابطه مثبت بین بیکاری و جرم حکایت دارد.

۲-۴- طبقه: تلاش‌ها برای ارتباط فعالیت‌های مجرمانه به ایده خاص تضاد طبقاتی، اغلب به تحلیل‌های مارکسیسم برمی‌گردد. استفاده از قانون مفروضه نظام‌مندی از تبعیض علیه طبقات فقیر است. تیلور^۷ و همکاران (۱۹۷۵) پیش‌بینی کردند که رفتارهای انحرافی ممکن است عکس‌العمل به چالش‌های زندگی در یک جامعه دارای تضاد باشد. تضاد طبقاتی در توجه به جرائم؛ مثل دزدی شبانه و دستبرد؛ و در مقایسه با جرائم یقه سفید آشکار می‌شود. در جرائم یقه سفید مقدار منابع مالی بیشتری در مقایسه با جرائمی مثل دزدی شبانه دستبرد، دزدیده می‌شود (سیمون و وایت^۸، ۱۹۸۲). گوردون (۱۹۷۳) بیان می‌کند که جرائم یقه سفید عموماً توسط افراد از طبقات مرفه جامعه، تا طبقات فقیر انجام می‌شود. جرائم قدیمی مثل دزدی به علت ارتکاب آن‌ها به صورت پنهانی، تمایل به عدم خشونت دارند. جرائم جدیدتر مثل جرائم یقه سفید، اغلب مستلزم رویارویی مستقیم یا ارباب و برخی اوقات نیازمند ساکت کردن قربانی برای رهایی از دستگیری هستند. گوردون همچنین بیان می‌کند افرادی که در گتوها یا اقلیت‌ها زندگی می‌کنند، هرگز فرصت اختلاس از بانک یا افزایش سرمایه چندمیلیون دلاری را با کلاهبرداری، پیدا نمی‌کنند.

فقیر و غنی می‌تواند در زمان سنجش میزان جرم در شهرهای مختلف مورد استفاده قرار گیرد (فلیشر^۱، ۱۹۷۶). هرچند که نیکرسون (۱۹۸۳) مدعی است این رهیافت مبتنی بر شواهدی است که بیشتر جرائم در اجتماعات فقیر اتفاق می‌افتد و فقرا اکثر؛ در مقایسه با افراد ثروتمند؛ خودشان را قربانی می‌کنند. این جرائم ممکن است به وسیله هزینه‌های کمتر مرتبط با ارتکاب جرم در قلمرو آشنا تبیین شود. گوردون^۲ (۱۹۷۳) مدعی است که سرمایه‌داری و نابرابری مرتبط با آن باعث افزایش جرم می‌شود. در دیدگاه گوردون، رفتارهای مجرمانه به عنوان بخشی از ساختار جوامع سرمایه‌داری و تضادهای اقتصادی-اجتماعی نتیجه‌ای از این ساختار است. به طور کلی، جرم پیامد تلاش فقرا برای ایجاد حضور بهتر برای خودشان است.

۲-۳- بیکاری: مدل‌های مختلفی روابط گوناگون بین بیکاری و جرم را بررسی می‌کنند. برخی از مدل‌های اقتصادی هم هزینه ارتکاب جرم را کم می‌کند و هم نیاز به درآمدهای مکمل از منابع دیگر؛ در مقایسه با شغل قانونی را افزایش می‌دهد. نظریه‌های رادیکال پیش‌بینی می‌کنند که بیکاری به افزایش فقر منجر می‌شود. سپس محرومیت ناشی از آن، هزینه‌های فعالیت‌های مجرمانه و مجازات را کاهش می‌دهد. این نتیجه غیرمستقیم، به افزایش تضادها منجر می‌شود. انتظارات افراد از درآمدهای بالقوه‌شان در بازار کار می‌تواند بر زمینه‌های ارتکاب جرم آن‌ها تأثیر بگذارد. به طور کلی، در صورت وجود یک شکاف قابل توجه بین آنچه افراد معتقدند قابل دسترس است (تجربه گروه) و آنچه قابل دسترس نیست (تجربه جامعه بزرگ‌تر)، افراد این شکاف را به عنوان محرومیت نسبی درک می‌کنند. بنابراین، هزینه فرصت‌های جرم به علت برگشت به شغل قانونی حداقل به نظر می‌رسد، کاهش می‌یابد. تورن بری و کریستنسن^۳ (۱۹۸۴) از داده‌های

⁴ Philadelphia

⁵ Levitt

⁶ Witt

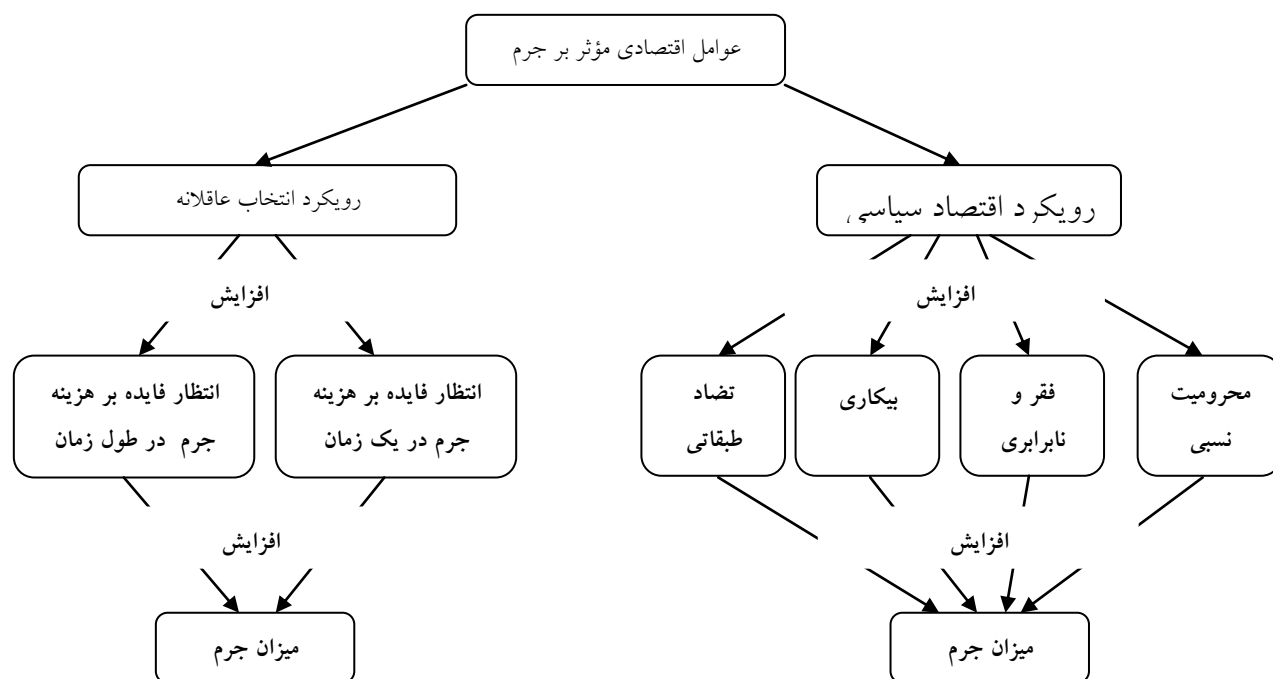
⁷ Taylor

⁸ Simon & Witte

¹ Fleisher

² Gordon

³ Thornberry and Christenson



شکل ۲- مدل عوامل اقتصادی مؤثر بر جرم، جاکوب (۲۰۱۱)

سازگار با اهداف تحقیق را ایجاد نماید (قربانی‌زاده و حسن نانگیر، ۱۳۹۳). در تعریف دیگر، فراتحلیل عبارت از رویکرد کمی/ عددی است که برای ترکیب نظام‌مند/ روشمند تحقیقات قبلی و آنچه توسط محققان پیشین انجام شده است، برای دستیابی به جمع‌بندی درباره بدنه تحقیق و کشف دانش جدید انجام می‌شود. این روش کمی می‌تواند به اثربخشی یافته‌ها، کشف خلاء علمی و برنامه‌ریزی برای پژوهش‌های جدید در زمینه موضوع کاربردی مورد نظر منجر شود (لی^۳، ۲۰۱۰).

در فراتحلیل، ادبیات موضوع از منابع مکتوب، مورد مرور نظام‌مند قرار می‌گیرد تا مشخص شود که بر مبنای تحقیقات گذشته، اثر یک متغیر روی متغیر دیگر چقدر است. این روش مشابه تحقیقات مقطعی است که در آن موضوع مورد مطالعه به جای افراد، نتایج تحقیقات است. فراتحلیل نوعی مرور ادبیات است که در آن برای تلخیص یافته‌های پژوهش‌های مختلفی که روی موضوع واحدی انجام شده است، از روش‌های کمی استفاده می‌شود. در اینجا بر این نکته تأکید

شکل ۲، مدل عوامل اقتصادی مؤثر بر جرم را نشان می‌دهد. به طور کلی، در یک جمع‌بندی مختصر از مبانی نظری، می‌توان بیان کرد که نظریات اقتصادی تبیین‌کننده جرم به دو دسته نظریات سطح خرد و نظریات سطح کلان تقسیم می‌شوند. نظریه عقلانی جرم که بیشتر به تصمیم‌گیری افراد برای ارتکاب اعمال مجرمانه توجه دارد، جزو نظریات سطح خرد است. نظریه رادیکال اقتصاد سیاسی که به تأثیر ساختارهای اقتصادی بر میزان جرم توجه دارد، به نظریات سطح کلان تعلق دارد.

روش

فراتحلیل^۱ را هنر ترکیب تحقیقات و تحلیل تحلیل‌ها می‌نامند و در واقع، روش کمی برای تلفیق نتایج تحقیقات مستقل و مشابه و ترکیب یافته‌های آن‌ها برای ارزیابی اثربخشی عمل آزمایشی است (ایگر^۲ و همکاران، ۲۰۰۱). این روش رویکردی واضح، بدون ابهام و نظام‌مند دارد و سعی می‌کند پیامدهای

³ Li

⁴ Systematic review

¹ Meta-analysis

² Egger

توسط وولف^۴ تبدیل به اندازه اثر با ترکیب اندازه‌های اثر به روش هانتز و اشمیت^۵ تحلیل قرار گرفتند. همچنین، برای تفسیر اندازه اثر از جدول کوهن^۶ بهره گرفته شد (مطابق جدول ۲).

جدول ۲- جدول توزیع طبقات اندازه اثر بر مبنای برآورد آماره‌ها (کوهن، ۱۹۷۷)

مقدار r	مقدار d	معنی اندازه اثر
کمتر از ۰/۳	کمتر از ۰/۵	اندازه اثر کم
از ۰/۳ تا ۰/۵	از ۰/۵ تا ۰/۸	اندازه اثر متوسط
۰/۵ و بیشتر	۰/۸ و بیشتر	اندازه اثر زیاد

یافته‌ها

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که سرقت با ۸۰ درصد (۱۲ مورد) بیشتر به عنوان متغیر وابسته بررسی شد. بعد از سرقت، متغیرهای جرائم کل با ۲۶/۵ درصد (چهار مورد) و متغیر قتل با ۲۰ درصد (سه مورد) در رده بعدی قرار دارند. متغیرهای جرائم خشن، جرائم مرتبط با مواد و خودکشی هر کدام با ۶/۵ درصد (یک مورد) کمترین میزان را در قرار گرفتن به عنوان متغیر وابسته به خود اختصاص دادند.

جدول ۳- توزیع فراوانی و درصدی بر حسب متغیرهای وابسته

متغیرهای وابسته	فراوانی	درصد حضور در ۱۵ مقاله
سرتقت	۱۲	۸۰
جرائم کل	۴	۲۶/۵
قتل	۳	۲۰
جرائم خشن	۱	۶/۵
جرائم مرتبط با مواد	۱	۶/۵
خودکشی	۱	۶/۵

یافته‌های جدول ۴ حکایت از آن دارد که ۵۳/۵ درصد (۸ مورد) از تحقیقات انجام شده مورد بررسی توسط یک محقق نوشته شده است و این مقدار دارای بیشترین میزان است. پس

می‌شود که فراتحلیل فقط زمانی به کار می‌رود که مطالعات مورد بررسی کمی باشند. در فراتحلیل، ابتدا موضوع انتخاب می‌شود. سپس مسأله فرموله و مطالعاتی جمع‌آوری می‌شوند که با موضوع مرتبط بوده و همگی فرضیه یکسانی را بررسی کرده‌اند. مشخصه‌های مطالعات کدگذاری و استخراج شده، آماره‌ها و میانگین و سایر داده‌های آماری به اندازه اثر^۱ تبدیل می‌شود. در نهایت، اندازه اثرها با هم ترکیب شده و اندازه اثرهای ترکیب شده، تفسیر می‌شود (برون‌استین^۲ و همکاران، ۲۰۰۹).

در این تحقیق، ابتدا با استفاده از روش مرور نظام‌مند مقالات بررسی می‌شود. در مرور نظام‌مند به موضوعاتی مانند انواع میزان همکاری محققان، روش تحقیق مقالات، متغیرهای استفاده شده در مقالات و نوع چارچوب نظری پرداخته می‌شود. بعد از مرور نظام‌مند، به بررسی اندازه اثر هر یک از متغیرها پرداخته شد.

جامعه آماری این بررسی، اکثر مقالاتی با موضوع عوامل اقتصادی مؤثر بر جرم در ایران است که در مجلات معتبر از سال ۱۳۸۰ تا پایان سال ۱۳۹۲ چاپ شده است. شرط انتخاب مقالات هم پرداختن به موضوع عوامل اقتصادی جرم در موضوع مقالات است. در نهایت، ۱۵ مقاله مرتبط با موضوع از مجلات معتبر انتخاب و تحلیل شدند. برای تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده از پژوهش‌های مورد نظر، پس از کدگذاری، از برنامه فراتحلیل جامع^۳ برای انجام محاسبات آماری فراتحلیل استفاده شد؛ بدین ترتیب که آزمون‌های آماری استفاده شده در فرضیات، پس از طریق فرمول‌های ارائه شده

^۱ اندازه اثر (Effect size) آماره‌ای است که اهمیت اثر آزمایشی یا شدت رابطه بین دو متغیر را منعکس می‌کند. ابتدا اندازه اثر هر مطالعه محاسبه می‌گردد و سپس اندازه اثر مطالعات مختلف با هم مقایسه می‌شوند و در نهایت، اندازه اثر کلی رابطه بین دو متغیر یا اثر آزمایشی در چند مطالعه محاسبه می‌شود تا درباره تأثیرگذاری آن اثر آزمایشی یا رابطه بین دو متغیر نتیجه‌گیری شود (برون‌استین و همکاران، ۲۰۰۹).

^۲ Borenstein
^۳ comprehensive meta-analysis

^۴ Wolf

^۵ Hunter and Schmidt

^۶ Cohen

بر اساس یافته‌های جدول ۶، ۸۶/۵ درصد (۱۳ مورد) از تحقیقات مرور شده در زمینه عوامل اقتصادی جرم دارای مبانی نظری هستند. این در حالی است که حدود ۱۳/۵ درصد (دو مورد) تحقیقات انجام شده دارای چهارچوب نظری است. یکی از انتقادهایی که به مطالعات مرور شده وارد است، این است که با توجه به اینکه همه این تحقیقات به دنبال بررسی رابطه و دارای فرضیه بودند، ملزم به داشتن چهارچوب نظری مشخص و معین هستند. فرضیه مناسب، فرضیه‌ای است که از چارچوب نظری مناسب مستخرج شود و فرضیات تحقیقات با توجه به نداشتن چارچوب نظری مناسب و مشخص دارای مبانی نظری مستکمی نیست.

جدول ۶- توزیع فراوانی و درصدی بر حسب داشتن مبانی یا

چارچوب نظری		
درصد	فراوانی	مبانی یا چهارچوب نظری
۸۶/۵	۱۳	مبانی نظری
۱۳/۵	۲	چارچوب نظری
۱۰۰	۳۱	جمع کل

جدول ۷ نشان می‌دهد که فراوانی متغیرها در فرضیات تحقیقات مرور شده عوامل اقتصادی جرم، مشتمل بر ۱۳ متغیر است. بر اساس نتایج این جدول، متغیر نرخ بیکاری با ۸۶/۵ درصد (۱۳ مورد) حضور در تحقیقات دارای بیشترین میزان است. بعد از نرخ بیکاری، نرخ نابرابری درآمدی با ۴۰ درصد (۶ مورد) حضور در مرتبه بعدی قرار دارد. متغیرهای نرخ فقر و نرخ تراکم جمعیت هر کدام با ۳۳/۵ درصد (پنج مورد) رده‌های بعدی را به خود اختصاص دادند. پس از این متغیرها، متغیر نرخ شهرنشینی با ۲۶/۵ درصد (چهار مورد)، متغیرهای نرخ طلاق، نرخ جمعیت جوان و نرخ تورم با ۲۰ درصد (سه مورد) و متغیر صنعتی شدن با ۱۳/۵ درصد (دو مورد) قرار دارند. همچنین، متغیرهای نرخ درآمد سرانه، توسعه اقتصادی-اجتماعی، نرخ اجاره‌بها و هزینه‌های

از آن، تحقیقات دو و سه نفره انجام شده هر کدام با ۲۰ درصد (سه مورد) دارای بیشترین میزان هستند. همچنین، تحقیقات دارای چهار نویسنده با ۶/۵ درصد (۱ مورد) در رتبه بعدی قرار دارند. میزان همکاری و کار گروهی محققان در تحقیقات مرور شده در زمینه عوامل اقتصادی جرم در حد ضعیف است و محققان در این زمینه به صورت نامناسبی به طور گروهی باهم کار می‌کنند که این باعث می‌شود مسأله عوامل اقتصادی جرم از چند زاویه متفاوت نگریسته و تحلیل نشود.

جدول ۴- توزیع فراوانی و درصدی بر حسب میزان همکاری محققان

محققان	فراوانی	درصد
یک نفر	۸	۵۳/۵
دو نفر	۳	۲۰
سه نفر	۳	۲۰
چهار نفر	۱	۶/۵
جمع کل	۱۵	۱۰۰

نتایج جدول ۵ و مرور متون تحقیقاتی برگزیده برحسب روش تحقیق نشان می‌دهد که نوع روش‌های به کار رفته در مطالعات مربوط به عوامل اقتصادی جرم کمتر دارای تنوع است. روش‌های به کار گرفته شده در مطالعات مرور شده در دو دسته سری زمانی^۱ و داده‌های تلفیقی تقسیم می‌شود. روش سری زمانی که نوعی مطالعه طولی در طول زمان است، با ۸۰ درصد (۱۲ مورد) به عنوان شایع‌ترین روش مطالعه در تحقیقات مرور شده مطرح است. در رده بعدی روش داده‌های تلفیقی که ترکیبی از روش سری زمانی و داده‌های مقطعی است، با ۲۰ درصد (سه مورد) قرار دارد.

جدول ۵- توزیع فراوانی و درصدی بر حسب روش تحقیق

روش تحقیق	فراوانی	درصد
سری زمانی	۱۲	۸۰
داده‌های تلفیقی (سری زمانی و داده‌های مقطعی)	۳	۲۰
جمع کل	۱۵	۱۰۰

^۱ Time Series

سطح خرد در ارتکاب جرم توجه دارد؛ ولی متغیرهای مدنظر تحقیقات مرور شده، متغیرهایی کلان است که ارائه مبانی نظری با سطح تحلیل خرد برای متغیرهایی با سطح تحلیل کلان مناسب نیست. بیشتر این تحقیقات به نظریه اقتصاد سیاسی که به عوامل اقتصادی کلان مؤثر بر جرم اشاره دارد، کمتر پرداختند و تنها در مواردی اندک، برخی از تحقیقات در مبانی نظری‌شان به عوامل اقتصادی کلان مؤثر بر جرم اشاره کردند. همچنین، با توجه به اینکه اکثر تحقیقات حاضر به نظریه انتخاب عاقلانه اشاره کردند، خود این نظریه را هم خوب توضیح ندادند و بیشتر تحقیقات فقط به ارائه تاریخچه‌ای از روند شکل‌گیری نظریات اقتصادی مؤثر بر جرم اشاره کردند. انتظار می‌رفت وقتی نظریه انتخاب عقلانی به عنوان نظریه تبیین‌کننده عوامل مؤثر بر جرم مطرح می‌شود، حداقل مدل‌های ایستا و پویای این نظریه مطرح شود که در هیچ‌کدام از این تحقیقات مرور شده چنین کاری صورت نگرفت.

جدول ۸- توزیع فراوانی و درصدی بر حسب نظریات مورد استفاده

ردیف	متغیر	فراوانی	درصد حضور در مقاله
۱	انتخاب عاقلانه	۱۳	۸۶/۵
۲	نظریه فعالیت‌های روزمره	۱	۶/۵
۳	نظریه بی‌سازمانی اجتماعی	۱	۶/۵
۴	نظریه آنومی	۱	۶/۵
۴	نظریه فمینیست	۱	۶/۵

جدول ۹، هشت مورد از بیشترین اندازه‌های اثر متغیرهای اثرگذار بر جرم سرقت را نشان می‌دهد. در متغیر نابرابری درآمدی، نتایج آزمون همگونی حکایت از معناداری این آزمون دارد، که نشان می‌دهد مطالعات تا حد زیادی ناهمگون‌اند، تلفیق آن‌ها با مدل آثار ثابت موجه نیست و باید از مدل آثار تصادفی به منظور ترکیب نتایج استفاده کرد. در واقع، این آزمون به ما می‌گوید که چهار فرضیه مربوط به رابطه نابرابری درآمدی و جرم سرقت، به شدت به لحاظ ویژگی‌ها و مشخصه‌های مطالعات متفاوتند. نتایج اثرهای

اجتماعی هر کدام با ۶/۵ درصد (یک مورد) کمترین میزان حضور به عنوان متغیرهای مستقل را دارا هستند.

جدول ۷- توزیع فراوانی و درصدی بر حسب متغیرهای حاضر در

فرضیه			
ردیف	متغیر	فراوانی	درصد حضور در مقاله
۱	نرخ بیکاری	۱۳	۸۶/۵
۲	نابرابری درآمدی	۶	۴۰
۳	نرخ فقر	۵	۳۳/۵
۴	نرخ تراکم جمعیت	۵	۳۳/۵
۵	نرخ شهرنشینی	۴	۲۶/۵
۶	نرخ طلاق	۳	۲۰
۷	نسبت جمعیت جوان	۳	۲۰
۸	نرخ تورم	۳	۲۰
۹	نرخ صنعتی شدن	۲	۱۳/۵
۱۰	نرخ درآمد سرانه	۱	۶/۵
۱۱	توسعه اقتصادی اجتماعی	۱	۶/۵
۱۲	نرخ اجاره بها	۱	۶/۵
۱۳	هزینه انتظامی	۱	۶/۵

براساس داده‌های جدول ۸، بیشترین میزان نظریه استفاده شده به نظریه انتخاب عاقلانه مربوط می‌شود؛ به طوری که ۸۶/۵ درصد (۱۳ مورد) از تحقیقات مرور شده در زمینه عوامل اقتصادی جرم از نظریه انتخاب عاقلانه استفاده کردند. پس از این نظریه، نظریات فعالیت‌های روزمره، آنومی، بی‌سازمانی اجتماعی و نظریات فمینیستی هر کدام با ۶/۵ درصد (یک مورد) در رده بعدی بیشترین نظریه استفاده شده در مطالعات مرور شده قرار دارند.

نکته‌ای که در این قسمت می‌توان آن را نقد کرد، مربوط به نوع نظریات استفاده شده در این تحقیقات مرور شده است. تحقیقات مرور شده به بررسی متغیرهای کلانی، مثل: بیکاری، نابرابری درآمد، فقر و تراکم جمعیت بر میزان جرم می‌پردازد؛ ولی برای تبیین نظری و ارائه یک مبانی نظری از نظریاتی استفاده می‌کنند که عوامل خرد اقتصادی مؤثر بر جرم توجه دارند. همان‌طور که در مبانی نظری تحقیق حاضر هم به آن اشاره شد، نظریه انتخاب عاقلانه بیشتر به انگیزه‌های افراد در

تصادفی نشان می‌دهد که رابطه نابرابری درآمدی و جرم سرقت، در چهار فرضیه بررسی شده معادل $0/68$ مثبت و معنادار است. با توجه به جدول تفسیر اندازه اثر کوهن (جدول ۱)، اندازه اثر بین نابرابری درآمدی و جرم سرقت در چهار مطالعه در حد قوی است.

با توجه به آزمون همگونی و اثرهای ترکیب تصادفی، رابطه بین نرخ بیکاری و جرم سرقت در 10 فرضیه برابر $0/58$ ، مثبت و معنادار بود. با توجه جدول کوهن، اندازه اثر بین نرخ بیکاری و جرم سرقت در این 10 مطالعه در حد قوی است. نتایج اثرهای ترکیبی تصادفی نشان می‌دهد که رابطه نرخ تورم و جرم سرقت در سه فرضیه حدود $0/57$ ، مثبت و معنادار بود. با توجه به جدول کوهن می‌توان نتیجه گرفت که اندازه اثر ترکیبی نرخ تورم و جرم سرقت در سه مطالعه در حد قوی می‌باشد. همچنین با توجه به آزمون همگونی و اثرات ترکیب تصادفی، رابطه بین نرخ فقر و جرم سرقت در چهار فرضیه برابر $0/56$ ، مثبت و معنادار بود. با توجه جدول کوهن، اندازه اثر بین نرخ فقر و جرم سرقت در این چهار مطالعه در حد قوی است.

در متغیر نرخ تراکم جمعیت، عدم معناداری آزمون همگونی نشان می‌دهد که نتایج تلفیق اثرها را به صورت ثابت

باید بررسی کرد. با توجه به نتایج این جدول، رابطه نرخ تراکم جمعیت و جرم سرقت در این پنج فرضیه برابر $0/55$ ، مثبت و معنادار است. با توجه جدول کوهن، اندازه اثر بین نرخ تراکم جمعیت و جرم سرقت در این پنج مطالعه در حد قوی است. نتایج اثرهای ترکیبی ثابت نشان می‌دهد که رابطه نسبت جمعیت جوان و جرم سرقت در چهار فرضیه حدود $0/55$ ، مثبت و معنادار بود. با توجه به جدول کوهن می‌توان نتیجه گرفت که اندازه اثر ترکیبی نسبت جمعیت جوان و جرم سرقت در چهار مطالعه در حد قوی است. در متغیر نرخ شهرنشینی، معناداری در آزمون همگونی حکایت از این دارد که مطالعات تا حد ناهمگون‌اند. همچنین، با توجه به آزمون همگونی و اثرهای ترکیب تصادفی، رابطه بین نرخ شهرنشینی و جرم سرقت در سه فرضیه برابر $0/54$ ، مثبت و معنادار بود. با توجه به جدول کوهن، اندازه اثر بین نرخ شهرنشینی و جرم سرقت در این سه مطالعه در حد قوی است. نتایج اثرهای ترکیبی تصادفی نشان می‌دهد که رابطه نرخ طلاق و جرم سرقت در دو فرضیه حدود $0/54$ ، مثبت و معنادار بود. با توجه به جدول کوهن می‌توان نتیجه گرفت که اندازه اثر ترکیبی نرخ طلاق و جرم سرقت در دو مطالعه در حد قوی است.

جدول ۹- اندازه اثرهای ترکیبی عوامل مؤثر بر جرم سرقت

درجه آزادی	آزمون همگنی	فاصله اطمینان اثرهای تصادفی	فاصله اطمینان اثرات ثابت	اثرهای ترکیبی تصادفی	اثرهای ترکیبی ثابت	فراوانی مطالعه	آماره متغیرهای مستقل
۳	$17/1^*$	$0/30-0/87$	$0/52-0/76$	$0/68^*$	$0/66^*$	۴	نابرابری درآمدی
۷	$24/2^*$	$0/41-0/70$	$0/47-0/65$	$0/58^*$	$0/57^*$	۱۰	نرخ بیکاری
۲	$9/4^*$	$0/16-0/80$	$0/41-0/73$	$0/57^*$	$0/58^*$	۳	نرخ تورم
۳	$10/2^*$	$0/25-0/76$	$0/40-0/67$	$0/56^*$	$0/55^*$	۴	نرخ فقر
۴	$5/1$	$0/38-0/67$	$0/41-0/66$	$0/54^*$	$0/55^*$	۵	نرخ تراکم جمعیت
۳	$7/2$	$0/32-0/76$	$0/38-0/68$	$0/58^*$	$0/55^*$	۴	نسبت جمعیت جوان
۲	$4/1^*$	$0/25-0/74$	$0/33-0/68$	$0/54^*$	$0/53^*$	۳	نرخ شهرنشینی
۲	$5/1^*$	$0/10-0/85$	$0/38-0/77$	$0/54^*$	$0/51^*$	۲	نرخ طلاق

* به معنای سطح معناداری کمتر از $0/05$ و معناداری دارد.

ناهمگون‌اند، تلفیق آن‌ها با مدل آثار ثابت موجه نیست و باید از مدل آثار تصادفی به منظور ترکیب نتایج استفاده کرد. درواقع، این آزمون به ما می‌گوید که دو فرضیه مربوط به

نتایج جدول 10 حکایت از این دارد که در متغیر نابرابری درآمدی، نتایج آزمون همگونی حکایت از معناداری این آزمون دارد، که نشان می‌دهد مطالعات تا حد زیادی

بررسی کرد. با توجه به نتایج این جدول رابطه نرخ بیکاری و جرم کل در این سه فرضیه برابر ۰/۳۶، مثبت و معنادار است. با توجه به جدول کوهن، اندازه اثر بین نرخ بیکاری و جرم کل در این سه مطالعه در حد متوسط است. همچنین، با توجه به آزمون همگونی و اثرهای ترکیب ثابت، رابطه بین نرخ فقر و جرم کل در دو فرضیه برابر ۰/۳۲، مثبت و معنادار بود. با توجه به جدول کوهن، اندازه اثر بین نرخ فقر و جرم کل در این دو مطالعه در حد متوسط است.

رابطه نابرابری درآمدی و جرم کل، به شدت به لحاظ ویژگی‌ها و مشخصه‌های مطالعات متفاوتند. نتایج اثرهای تصادفی نشان می‌دهد که رابطه نابرابری درآمدی و جرم کل، در دو فرضیه بررسی شده معادل ۰/۳۹ مثبت و معنادار است. با توجه به جدول تفسیر اندازه اثر کوهن، اندازه اثر بین نابرابری درآمدی و جرم کل در دو مطالعه در حد متوسط است. در متغیر نرخ بیکاری، عدم معناداری آزمون همگونی نشان می‌دهد که نتایج تلفیق اثرها را به صورت ثابت باید

جدول ۱۰- اندازه اثرهای ترکیبی عوامل مؤثر بر جرم کل

درجه آزادی	آزمون همگنی	فاصله اطمینان اثرهای تصادفی	فاصله اطمینان اثرهای ثابت	اثرهای ترکیبی تصادفی	اثرهای ترکیبی ثابت	فراوانی مطالعه	آماره متغیرهای مستقل
۱	۷/۴*	۰/۳۴-۰/۸۱	۰/۱۵-۰/۶۱	۰/۳۹*	۰/۴۰*	۲	نابرابری درآمدی
۲	۱/۵	۰/۱۵-۰/۵۴	۰/۱۵-۰/۵۴	۰/۳۶*	۰/۳۶*	۳	نرخ بیکاری
۱	۰/۱۸	۰/۱۰-۰/۵۴	۰/۱۰-۰/۵۴	۰/۳۲*	۰/۳۲*	۲	نرخ فقر

* به معنای سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ و معناداری دارد.

می‌دهد که نتایج تلفیق اثرها را به صورت ثابت باید بررسی کرد. با توجه به نتایج این جدول، رابطه نرخ صنعتی شدن و جرم قتل در این دو فرضیه برابر ۰/۳۶، مثبت و معنادار است. با توجه به جدول کوهن، اندازه اثر بین نرخ صنعتی شدن و جرم قتل در این دو مطالعه در حد متوسط است. همچنین، با توجه به آزمون همگونی و اثرهای ترکیب ثابت، رابطه بین نرخ فقر و جرم قتل در سه فرضیه برابر ۰/۳۵، مثبت و معنادار بود. با توجه به جدول کوهن، اندازه اثر بین نرخ فقر و جرم قتل در این سه مطالعه در حد متوسط است.

یافته‌های جدول ۱۱ نشان می‌دهد که در متغیر نرخ بیکاری، نتایج آزمون همگونی حکایت از عدم معناداری این آزمون دارد، که نشان می‌دهد مطالعات تا حد زیادی همگون‌اند و تلفیق آن‌ها با مدل آثار ثابت موجه است. نتایج اثرهای ثابت نشان می‌دهد که رابطه نرخ بیکاری و جرم قتل، در سه فرضیه بررسی شده معادل ۰/۳۷ مثبت و معنادار است. با توجه به جدول تفسیر اندازه اثر کوهن، اندازه اثر بین نرخ بیکاری و جرم قتل در سه مطالعه در حد متوسط است. در متغیر نرخ صنعتی شدن، عدم معناداری آزمون همگونی نشان

جدول ۱۱- اندازه اثرات ترکیبی عوامل مؤثر بر جرم قتل

درجه آزادی	آزمون همگنی	فاصله اطمینان اثرات تصادفی	فاصله اطمینان اثرهای ثابت	اثرهای ترکیبی تصادفی	اثرهای ترکیبی ثابت	فراوانی مطالعه	آماره متغیرهای مستقل
۲	۲/۵	۰/۱۴-۰/۵۷	۰/۱۷-۰/۵۵	۰/۳۸*	۰/۳۷*	۳	نرخ بیکاری
۱	۰/۷۶	۰/۱۰-۰/۵۷	۰/۱۰-۰/۵۷	۰/۳۶*	۰/۳۶*	۲	نرخ صنعتی شدن
۲	۵/۳	۰/۱۰-۰/۶۳	۰/۱۴-۰/۵۳	۰/۳۶*	۰/۳۵*	۳	نرخ فقر

* به معنای سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ و معناداری دارد.

خلاصه و نتیجه

نرخ شهرنشینی و نرخ طلاق بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته سرقت داشتند. همچنین، تأثیر همه این متغیرهای مستقل بر متغیر سرقت در حد قوی بود. متغیر نابرابری درآمدی، بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته جرم کل به خود اختصاص داد. نرخ بیکاری و نرخ فقر در رده بعدی بیشترین متغیرهای تأثیرگذار بر متغیر جرم کل بودند. تأثیر همه این متغیرهای مستقل بر متغیر جرم کل در حد متوسط بود. بیشترین متغیر تأثیرگذار بر متغیر وابسته جرم قتل، مربوط به متغیر نرخ بیکاری می‌شود. پس از این متغیر، متغیرهای نرخ صنعتی شدن و نرخ فقر بیشترین تأثیر را بر متغیر جرم قتل در تحقیقات مرور شده داشتند. همچنین، تأثیر همه این متغیرهای مستقل بر متغیر قتل در حد متوسط بود.

پیشنهاد‌های روشی

با توجه به یافته‌های تحقیق، برخی از نواقص تحقیقات مرور شده در زمینه عوامل اقتصادی مؤثر بر جرم به شرح زیر است: میزان همکاری و کار گروهی در تحقیقات مرور شده در حد ضعیفی بود و این روند منجر به این می‌شود که مسأله مورد بررسی از زوایای مختلف نگریسته نشود و این امکان وجود دارد که غفلت از برخی زوایا اعتبار کار را کاهش دهد. لذا پیشنهاد می‌شود بررسی‌های بعدی درباره موضوع، از چند محقق و متخصص در زمینه‌های مختلف استفاده کند.

وجود چارچوب نظری مشخص برای تحقیقات دارای فرضیه امری مهم و ضروری است؛ لذا تحقیقات مرور شده به علت داشتن فرضیه باید چارچوب نظری مشخص‌تر و مستحکمی داشته باشند. از محققان آتی در این موضوع، انتظار می‌رود که چهارچوب نظری مشخص و مدونی داشته باشند و صرفاً به بیان تاریخچه‌ای از نظریات اقتصادی مؤثر بر جرم اکتفا نکنند.

سطح تحلیل برخی از نظریات به کار رفته در مبانی نظری تحقیق با متغیرهای مورد بررسی در تحقیق همخوانی نداشت و در حالی که سطح سنجش متغیرهای حاضر در

جرم همراه با شکستن قانون، بی‌نظمی و از بین رفتن امنیت و آسایش مردم است که از این نظر، وقوع آن آثار منفی برای جامعه در پی دارد. در طی دو دهه گذشته، به دلایل متعددی میزان جرائم مختلف به طور فزاینده‌ای در کشور افزایش یافت و مشکل جرائم به عنوان یک مشکل اجتماعی در جامعه مطرح شد. باتوجه به افزایش تعداد تحقیقات موجود در حوزه جرم و شناسایی عوامل اقتصادی متعدد مؤثر بر جرم، نیاز به انجام تحقیقی ترکیبی برای شناسایی مهم‌ترین عوامل اقتصادی مؤثر بر جرم احساس می‌شود. لذا هدف از این تحقیق فراتحلیل عوامل اقتصادی مؤثر بر جرم و شناسایی مهم‌ترین عامل اقتصادی مؤثر بر جرم در تحقیقات انجام شده در ایران است.

نتایج مرور نظام‌مند نشان می‌دهد که متغیرهای سرقت، جرائم کل و قتل بیشتر به عنوان متغیر وابسته قرار گرفتند. میزان همکاری و کار گروهی محققان در تحقیقات مرور شده در زمینه عوامل اقتصادی جرم در حد ضعیف است؛ به طوری که نتایج تحقیق حکایت از این دارد که ۵۳/۵ درصد (۸ مورد) از تحقیقات انجام شده مورد بررسی توسط یک محقق نوشته شده است. روش سری زمانی با ۸۰ درصد به عنوان شایع‌ترین روش مطالعه در تحقیقات مرور شده مطرح است. متغیر نرخ بیکاری دارای بیشترین حضور در تحقیقات است. پس از نرخ بیکاری، نرخ نابرابری درآمدی در مرتبه بعدی قرار دارد. متغیرهای نرخ فقر و نرخ تراکم جمعیت رده‌های بعدی را به خود اختصاص دادند. بیشترین میزان نظریه استفاده شده به نظریه انتخاب عاقلانه مربوط می‌شود؛ به طوری که ۸۶/۵ درصد از تحقیقات مرور شده در زمینه عوامل اقتصادی جرم از نظریه انتخاب عاقلانه استفاده کردند.

نتایج فراتحلیل گویای آن است که متغیر نابرابری درآمدی، بیشترین تأثیر را بر جرم سرقت در مطالعات مرور شده دارد. پس از این متغیر، متغیرهای نرخ بیکاری، نرخ تورم، نرخ فقر، نرخ تراکم جمعیت، نسبت جمعیت جوان،

معرف‌های محرومیت نسبی هستند. بنابراین، می‌توان بیان کرد که محرومیت نسبی در جامعه ایران (با معرف‌های فقر و نابرابری درآمدی) بیشترین تأثیر را بر میزان جرم دارد.

بیکاری هم عامل مهم دیگری در تبیین جرم در کشور است. مطابق نظریه رادیکال اقتصاد سیاسی جرم نرخ بیکاری با میزان جرم رابطه مثبت دارد که در جامعه ایران این رابطه تأیید گشت.

تورم هم از عوامل تأثیرگذار بر میزان جرم در نظریات اقتصاد جرم بیان شد که در فراتحلیلی از رابطه این متغیر با جرم در ایران، این رابطه پشتیبانی شد.

مدلی از عوامل اقتصادی مهم مؤثر بر جرم در زیر با توجه به فراتحلیل از تحقیقات اقتصاد جرم در جامعه ایران ارائه می‌گردد.

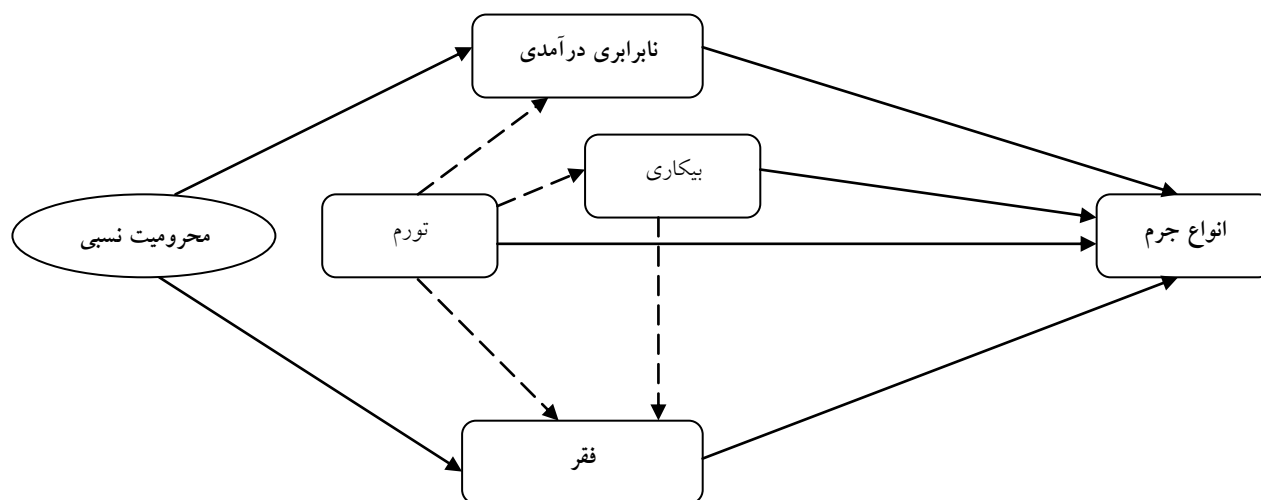
تحقیق کلان بود، بیشتر محققان از نظریه با سطح خرد (نظریه انتخاب عقلانی) استفاده کردند.

پیشنهاد‌های نظری

به طور کلی، نتایج این بررسی نشان داد که اکثر عوامل اقتصادی موجود در رویکرد اقتصاد سیاسی بر وقوع جرم در ایران، تأثیر زیادی دارند. مؤید این ادعا، اندازه اثرهای ترکیبی عوامل اقتصادی مؤثر بر انواع جرائم در تحقیقات مرور شده در ایران بود.

نتایج تحقیق حاضر نشان داد که عامل نابرابری درآمد، فقر، بیکاری و تورم و تأثیر بسیار زیادی بر انواع جرائم در ایران دارد که این تأثیر در رویکرد انتقادی اقتصادی سیاسی پیش‌بینی می‌شد.

نتایج تحقیق حاضر با فرض تأثیر محرومیت نسبی بر میزان جرم سازگار است. فقر و نابرابری درآمدی از



شکل ۳- مدل نظری پیشنهادی عوامل اقتصادی مؤثر بر جرم در ایران^۱

^۱ پیکان‌های خط تیره‌ای (--->) نشان‌دهنده روابط احتمالی بین متغیرهاست که در این تحقیق بررسی نشده‌اند و فقط طبق نظریات اقتصادی این روابط برقرار شدند. این در حالی است که پیکان‌های خط صاف روابطی هستند که در این تحقیق، آزمون شدند. نکته قابل ذکر دیگر در این مدل این است که جهت همه روابط رسم شده در مدل مثبت است.

داده‌های تلفیقی بین استانی»، پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال بیستم، ش ۶۴، ص ۸۶-۸۷.

فطرس، م.؛ میلان، ع. و قربان سرشت، م. (۱۳۹۱). «اثرات فقر، بیکاری و شهرنشینی بر جرایم علیه اموال در استان‌های ایران»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دوازدهم، ش ۴۶، ص ۲۷۹-۳۹۸.

گرشاسبی فخر، س. (۱۳۹۰). «ارتباط بین بیکاری و سرقت در ایران»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال یازدهم، ش ۴۰، ص ۴۰۰-۴۲۴.

مداح، م. (۱۳۹۰). «تحلیل اثر فقر و نابرابری درآمدی بر جرم (سرقت) در سطح استان‌های کشور»، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال یازدهم، شماره سوم، ص ۳۰۳-۳۲۴.

مهرگان، ن. و گرشاسبی فخر، س. (۱۳۹۰). «نابرابری درآمد و جرم در ایران»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال یازدهم، ش ۴، ص ۱۰۹-۱۲۵.

Becker, G. S. (1968) "Crime and Punishment: An Economic Approach". *Journal of Political Economy*, No. 76(2), p.169-217.

Borenstein, M. Hedges, L. Higgins, J. Rothstein, H. (2004) *Introduction to Meta-Analysis*, UK: Wiley & Sons publication.

Clinard, M. and Meier, R. (2008) *Sociology of Deviant Behavior*, New York: Thomson Wadsworth Publications.

Cohen, J. (1977) *Statistical Power Analysis for the Behavioral Sciences: (Rev. Ed)*. New York: Academic Press.

Danziger, S. (1976) "Explaining Urban Crime Rates". *Criminology*, No. 14(2), p. 291-296.

Danziger, S. & Wheeler, D. (1975) "The Economics of Crime: Punishment or Income Redistribution?". *Review of Social Economy*, No. 33(3), p. 113-131.

Egger, M. Smith, D.G. Altman, D.G. (2001) *Systematic Reviews in Health Care- Meta-Analysis in context*, London: BMJ Books

Eide, E. (2000) "Economics of Criminal Behavior: Survey and Bibliography". *Encyclo-Pedia of Law & Economics*, No. 8100, p. 346-389.

با توجه به شکل ۳، متغیر مکنون محرومیت نسبی از دو معرف آشکار نابرابری درآمدی و فقر تشکیل شده است. نتایج نوشتار حاضر نشان داد این متغیرها تأثیر زیادی را بر انواع جرم در جامعه ایران دارند که در مدل بین این متغیرها و انواع جرم پیکان‌هایی با جهت مثبت رسم گردید. همچنین، نتایج فراتحلیل در راستای نظریات رادیکال اقتصاد سیاسی نشان داد که در جامعه ایران، بیکاری بر انواع جرم تأثیر بسزایی دارد که در این مدل یک جهت مستقیم بین بیکاری و انواع جرم کشیده شد. تورم هم از جمله عوامل اقتصادی مهم مؤثر بر جرم جامعه ایران است و به این دلیل مسیر مستقیمی از تورم به سمت جرم در مدل حاضر رسم گردید. رابطه بین بیکاری و فقر و روابطی که بین تورم با متغیرهای نابرابری درآمدی، بیکاری و فقر ترسیم شد، از نظریات اقتصادی مختلف مثل نظریه منحنی فیلیپس^۱ گرفته شد تا روابط درونی بین متغیرهای اقتصادی مؤثر بر جرم در جامعه ایران روشن‌تر شود.

منابع

احمدی، ح. (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی انحرافات*، تهران: انتشارات سمت.

حسینی‌نژاد، م. (۱۳۸۴). «بررسی علل اقتصادی جرم در ایران با استفاده از مدل داده‌های تلفیقی: مورد سرقت»، *مجله برنامه و بودجه*، ش ۹۵، ص ۳۵-۸۱.

صادقی، ح.؛ شقاقی، و. و اصغرپور، ح. (۱۳۸۴). «تحلیل عوامل اقتصادی اثرگذار بر جرم در ایران»، *مجله تحقیقات اقتصادی*، ش ۶۸، ص ۶۳-۹۰.

قربانی‌زاده، و. و حسن نانگیر، ط. (۱۳۹۳) *راهنمای کاربردی فراتحلیل با نرم افزار CMA2*، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

عباسی‌نژاد، ح.؛ رضانی، ه. و صادقی، م. (۱۳۹۱). «بررسی رابطه بین بیکاری و جرم در ایران: رهیافت

¹ Philips Curve

- Gordon, D. (1973) "Capitalism, Class, and Crime in America". *Crime and Delinquency*, No. 19(2), p. 163–186.
- Imai, S. & Krishna, K. (2004) "Employment, Deterrence and Crime in a Dynamic Model". *International Economic Review*, No. 45(3), p.845–872.
- Jacob, A. (2011) "Economic Theories of Crime and Delinquency", *Journal of Human Behavior in the Social Environment*, No. 21(3), p. 270-283.
- Li, S. (2010) "The Effectiveness of Corrective Feedback in SLA: A Meta-Analysis", *Language Learning*, No. 60(2), p. 309–365.
- Levitt, S. (1996) "The Effect of Prison Population Size on Crime Rates: Evidence from Prison Overcrowding Litigation". *Quarterly Journal of Economics*, No. 111(2), p. 219–352.
- Nickerson, G. W. (1983) "Analytical Problems in Explaining Criminal Behavior: Neoclassical and Radical Economic Theories and an Alternative Formulation". *Review of Radical Political Economics*, No. 15(1), p. 1–23.
- Parsons, T. (1951) *The Social System*. Glencoe, IL: Free Press.
- Siegel, L. (2011) *Criminology*, Wadsworth: Cengage Learning Publishers.
- Simon, C. P. & Witte, A. D. (1982) *Beating the system: The underground economy*. Boston, MA: Auburn Publishing House Company.
- Taylor, I. Walton, P. & Young, J. (1975) Critical criminology in Britain: Review and prospect. In I. Taylor, P. Walton, & J. Young (Eds.), *Critical criminology* (pp. 6–62). London, UK: Routledge and Kegan Paul.
- Thornberry, T. & R. L. Christenson. (1984) "Unemployment and Criminal Involvement: An Investigation of Reciprocal Causal Structures". *American Sociological Review*, No. 49(3), p. 398–411.
- Toby, J. (2005) "The Intellectual Debt That Deviance Theory Owes Talcott Parsons", *Journal of Classical Sociology*, No. 5(3), p. 349-364.
- Williams, J. & Sickles, R. (2000) *Turning from crime: A dynamic perspective*. Paper presented in the econometric session on structural models at the ASSA meetings in Boston, MA.
- Witt, R. Clark, A. & Fielding, N. (1999) "Crime and Economic Activity: A Panel Data Approach". *British Journal of Criminology*, No. 39, p. 391–400.

